PROPERTY OF ACKU

ارادہ

فرمان الله جل جلاله
بخوان و پروردگار تو بزرگوار تر
است آنکه علم آموخت به وسیله
قلم.
(العلق - آیات ۳-۴)

ارشاد نبوی (ص)
آموختن علم بر هر مرد و زن
مسلمان فرض است.
(رواه مسلم)

سال اول شماره هژدهم | چارشنبه ۱۰ اسد ۱۳۸۰هـ.ش | ۱۲ جمادی الاول ۱۴۲۲ هـ.ق | ۱ اگست ۲۰۰۱ میلادی

ضرورت امروز نجات وطن از چنگال هزاران خارجی و تروریست است

ملت بزرگ ما این شهامت را دارد که با دشمنان افغانستان تصفیه حساب کند

هدف این است که کتله دو ملیونی مهاجر افغان در پاکستان مرجع ایرا داشته باشد که درحل مشکلات آنها را یاری رساند

طوریکه خواننده گان عزیز اطلاع دارند ، یك سلسله تلاش هائی اخیراً بخاطر ایجادیك مجمع بزرگی از افغانها در شهر پشاور پاکستان راه اندازی شده و توانسته است تا حد زیادی توجه سازمانها، نهاد ها و حرکات موجود افغانی را در این شهر بخود معطوف دارد.
این تلاش ها اگر از سوئی امید وار کننده برای جمعیت پراگنده و بی سرنوشت و بدون رهبر افغان در دیار هجرت بوده است از سوی دیگر سوالات و وسوسه هائی را هم سبب گردیده است. بخاطر آگاهی بیشتر خواننده گان عزیز خبرنگار اراده صحبتی را با سخنگوی این حرکت محترم سید اسحاق گیلانی شخصیت جهادی، سیاسی و اجتماعی افغان انجام داده که تقدیم می شود.

خبرنگار اراده: بناغلی محترم سید اسحاق گیلانی خواننده گان اراده علاقه دارند هدف تلاش های راه انداخته شده از سوی شما و سایر افغانهای همنظر شما را بدانند، اگر در مورد لطف کنید مایه خرسندی خواهد بود.
بناغلی سید اسحاق گیلانی : اگر تاکنون حرف های ما (افغانها) جایی را نگرفته و نتوانسته است دردی را مداوا باشد ، علت آن تشتت و پراگنده گی های ما و ارایه نظریات و پیشنهادات از سوی ما بشکل انفرادی و پراگنده بوده است، که از اهمیت و وزن لازم برخوردار نبوده و کسی به آن وقعی نگذاشته و مورد توجه قرار نگرفته است. بقیه صـ۳.

ملامحمد عمر هم معزول شده می تواند

قاهره: رهبر بلند پایه طالبان ملامحمد عمر در صورتی که درپیشبرد وظایف خود ناکام گردد، معزول و تعویض خواهد شد.
این مطلب را یك مجله (هفته نامه) مصری بنام "نصف دنیا" از قول وزیر اوقاف طالبان نقل می کند.
مجله مذکور از قول وزیر اوقاف طالبان می نگارد که ملامحمد عمر بدون شك یك پیغمبر نمی باشد و ایشان می توانند او را در صورتیکه مرتکب اشتباهی در امور محوله خود گردد، از کار برکنار نمایند. وزیر مذکور گفت که طالبان بت های بامیان را بعد از صدور فتوای علماء از بین برده و تخریب کردند. بقیه صفحه ۷

کابل درنو چاودنو ولړزاوه

۲۰ جولای:
کابل ښار دوو درنو اوپرله پسی چاودنو ولرزاوه. چاودنی په کابل هوتل او آریانا افغان هوایی شرکت دفتر نه نژدی شوی دی، په دغه چاودنی کی د کابل هوتل دووکوټو ته یی زیات زیان رسیدلی خود مرګ او ژوبلی په اړه تراوسه طالبانو څه ندی ویلی.
طالبانو د تل پشان ددغسی پیښو پره پرخپلو مخالفینو اچولی خومتحدی جبهی په چاودنو کی لاس لرنه رد کړی دی.

دوازده هزار خارجی در کنار طالبان می جنگند

به گزارش هفته نامه جینز دیفنس چاپ لندن حضور اتباع خارجی در جنگ افغانستان خطر جدی در منطقه ایجاد کرده است، هفته نامه می افزاید شمار خارجیان در جنگ افغانستان به دوازده هزار تن رسیده که هفت هزار آنان را اتباع پاکستانی تشکیل میدهند ، منبع علاوه می کند که عربها در درجه دوم قرار داشته و تعداد شان تا دو هزار نفر می رسد که از سوی بن لادن تمویل و سازماندهی می شوند این خارجی ها عمدتاً در کنار طالبان علیه جبهه متحد مصروف نبرد اند، مسلمانان ازبکستان و چیچن نیز با طالبان همکاری دارند.

طالبان جسد یك جنگجوی پاکستانی را تحویل دادند

پشاور: طبق اظهارات یك قوماندان نظامی طالبان آنها جسد یك جنگجوی پاکستانی را که در افغانستان قوماندان یك یونت جنگجویان پاکستانی بود که به طرفداری از طالبان علیه اتحاد شمال می جنگند و در این جنگها به قتل رسیده است روز شنبه به خانه او برگردانیده اند هیلی کوپتر حامل این میت که در تورخم افغانی به زمین نشست همچنان دو تن از پاکستانیانی را که در جنگهای افغانستان مجروح شده بودند - صـ۷

په لنډه ډیره یو ځوان ووژل شو

۲۴ جولای: د امر بالمعروف او نهی عن المنکر چارواکو د اوږدی ډیری په نه لرلو یو خوان د کلاشنکوف په کنداغونو وهلو سره ووژلو، د پاکستان مطبوعاتو د راپور په اساس یو خوان چی غوښتل د کابل په لاره د جلال آباد نه گردیز نه لاړ شی د پل چرخی په سیمه کی د طالبانو د مذهبی پولیس لخوا د موټر څخه په زور کوز کړی شو او وهلو لاندی ونیول شول چی ولی ډیره دی لنډه ده او د شریعت مطابق نده. خوان چی د بحث کولو نیت درلود نو د کلاشنکوفونو د کنداغو ښکار شو چی وروسته د جمهوریت په روغتون کی ساه ورکړه.

په فرانسه کی ژوتنه افغانان ووژل شول

۲۳ جولای: پاریس: په فرانسه کی د مهاجرو په یوکمپ کی دسختی نښتی له امله یوولس تنه ووژل شول چی یو شمیر افغانان هم پکی شامل دی. د فرانس پرس د راپور مطابق د تیپیانو د جملی نه دری تنه یی د مرګ په حال کی دی، پاتی ۷ مخ

در صفحات این شماره

- درخت انار - یك داستان کوتاه . نوشته کوه بابا صـ۵
- آیا مونږ تاریخ لرو . غنی خیلی صـ۲
- گواښونه او رقابتونه . منت بار صـ۳
- آیا افغانستان با این همه قربانی ..... خانه بدوش صـ۳

درجیریم که به کجا عرض نمائیم؟؟؟

خدمت آقایون مسول سازمان حقوق بشر
نمیدانیم از کجا آغاز نماییم و از کدام ظلم و ناروا حکایه کنیم. آنچه برای شما طی این چند نظر محدود مینویسیم نه تنها حرف های جگر سوخته، روان ناشاد و امیدهای برباد رفته ما ست، بلکه حکایتی از مظالم و ناروایی ست که افزون بر هزاران مظالم گذشته در شهر کابل، در فاصله ده کیلو متری دفتر سازمان حقوق بشر بر حق بیش ۱۵۰ خانواده بدبخت افزوده شده است.
این ظلم غیر قابل تحمل عبارت از غصب خانه های مسکونی ده ها زن بیوه و اطفال یتیم در شهرك پولیس واقع ناحیه ۴ کابل است، و آن به شیوه پیکه تفنگداران از ما با خشونت و زور گویی خواسته اند، بقیه صـ ۷

جلب همکاری علمای مناطق قبایلی

جمرود: طبق اخبار واصله تحریك اسلامی طالبان در افغانستان درپی جلب همکاری روسای جمعیت علمای اسلام. مناطق قبایل. نشین صوبه سرحد N.W.F.P دست بکار شده اند. صـ ۷

دریور معین وزارت خارجه را کشتند

جنگ بر سر آب منجر به قتل یکنفر و زخمی شدن پیرمرد باغبان گردید ، به گزارش روزنامه سهار چاپ پشاور ، رفقای ملا قیوم اخندزاده دریور عبدالرحمن "زاهد" معین وزارت - صـ ۷

شهر اسلام است یاران تا بکی اذان به نی

استاد خلیل الله خلیلی

اراده

د تاسیس کال : ۱۳۷۹ هـ.ش

پنځلس ورځنی خپلواکه تحلیلی خپرونه

د امتیاز خاوند: افغان نشراتی مرکز

مؤسس : سید داؤد

مسوول مدیر: عتیق الله پژواک

د کتونکي ډلی په مرسته

پست بکس ۹۰۹ یونیورستی ټاون، پیښور

تیلفون : ۴۱۶۹۱، فکس : ۸۴۱۷۸۵

E-mail: amrc@brain.net.pk

سرمقاله — بنام خداوند متعال

تجزیه افغانستان یا آغاز یك بازی بزرگ دیگر!

اخیراً مطبوعات چاپ پاکستان از تدویر جلسه ای در شهر دوشنبه پایتخت تاجکستان خبردادند که طی‌آن اشتراك کنندکان، شامل هیت های از کشور های امریکا ، روسیه، عده یی از کشورهای اسیای میانه، برخی از کشور های اروپایی شامل انگلستان و همچنان نماینده کشور هندوستان روی طرحی که افغانستان باید بر اساس تعصبات لسانی و نژادی بدو حصه تقسیم شود صحبت نموده و معاهده یی را به امضا رسانیده اند.

باآنکه پراکراف دوم این خبراهمیت، معاهده! را کمتر می سازد و طی آن می خوانیم که: برخی از نماینده کان کشور های دعوت شده در این اجلاس با پلان تجزیه افغانستان مخالفت نموده و بجای آن طرح انجام کمك های نظامی ومالی باجبهه متحد شمال و استفاده از هر وسیله ممکن بخاطر تضعیف طالبان را ارایه داشتند.

خبر می افزاید کمك های نظامی اخیر روسیه به احمد شاه مسعود قرار به اساس همین طرح صورت کرفته است.

این بدان معنی است که روسیه با این طرح در مخالفت قرار دارد ، زمانی که روسیه با طرح تجزیه افغانستان مخالف باشد کشور های آسیای میانه یعنی آنهاییکه در بلاك اتحاد شوروی سابق شامل بوده اند چارو ناچار با ارزیابی از امکانات، مشکلات از ناحیه مخالفین داخلی و توانایی های خویش از یکطرف و از سوی دیگر هم در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند ازبکان ما را شامل ازبکستان، تاجکان ما را شامل تاجکستان، قرغزهای مارا شامل قرغزستان، قزاق های ما ، را شامل قزاقستان و ترکمن های ما را شامل ترکمنستان نمایند از موقف روسیه پشتیبانی می کنند ، اروپا منفی بریتانیا اکر هم نقشی را در این راستا ایفا کرده بتواند بر اساس روابط بین المللی و سیاست های جهانی با طرحی که از انطرف اقیانوس ها رهبری شود چراغ سبز نشان نمی دهد.

و از همه مهمتر و قابل توجه اینکه خوشبختانه وحدت ملی افغانها با وجود همه تلاش های غرض آلود و مذبوحانه طراحان تجزیه افغانستان و پروپاکند چیان انکشت شمار آنها در سطحی قرار ندارد که خدشه دار حسابش کرد چه رسد به آنکه از هم بکسلد.

اما آنچه در این رابطه می تواند زنکـ خطر پنداشته شود موضعیکری کشورهای هند ، ایران، و در راس امریکا است که نباید به آن کم بها داد.

آغا شاهی یکی از وزرای اسبق امور خارجه پاکستان که علاقمندی اش به کشورش از دیده دوستان و دشمنان پاکستان هیچکاه پوشید نمانده از جای یك دیپلمات کار آزموده و رمز اشنا و شخصیتی که منافع ملی کشورش را بر هرکونه منافعیی ترجیح داده و می دهد در استانه سفر آقای پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان به هندوستان طی مصاحبه یی با یکی از روز نامه های چاپ پاکستان به سیاست مردان کشورش هوشدار داده و با حواله به "تهنك تینك" امریکا یی کفـــــت: "طی پانزده سال آینده طالبان بصورت مکمل از صحنه بدور خواهند رفت، کشورهای آسیای میانه و ایران مناطق تحت نفوذ شانرا در افغانستان میان خود شان تقسیم خواهند کرد، قسمت کوچکی که برای طالبان باقی می ماند با هندوستان یکجا خواهد شد زیرا در آن زمان منافع ایران هند و طالبان مشترك خواهد بود."

برای آغا شاهی هست و بودکشورش مهم است، او در طرح "تهنکـ تینك" نبود کشورش را به وضاحت مشاهده می کند از اینرو برخـــــلاف - بقیه ص ۷

تبصره این شماره — مبصر : خانه بدوش

آیا افغانستان بادادن این همه قـــربانی بازهـــم بـــراستی بـــه دورهء نامـــبارك "کارمل" بـــاز گشـــــته اســـت؟؟؟

جناب فضیلت همراه ملا قدرت الله جمال وزیر اطلاعات و کلتور رژیم اسلامی طالبان در یك مصاحبه، مطبوعاتی در هفته، اول جولای سال جاری به صراحت بیان داشت که شاغلی مسعود عملاً از روس ها طالب کمك است و به این ترتیب راهی را تعقیب می کند که "کارمل" آنرا می پیمود.

ما در مسیر تاریخ قدیم خود ازین قماش اشخاص که با دشمنان دست همکاری داده و خود را برای تحقق منافع اجنبی وقف نموده اند، متاسفانه امثله، زیادی داریم که شرح آن از حوصله، این مختصر خارج است و اما در تاریخ معاصر ما دوتن ازین بیگانه پرستان شهرت زیادی یافتند یکی شاه شجاع الملك انکلیس مآب (۱۸۰۳-۱۸۱۰- و ۱۸۳۹-۱۸۴۲) و آن دیکر ببرك کارمل روس مآب (جنوری ۱۹۸۰- می ۱۹۸۶) که هردو بنا به کفته یك مفکر فقید افغان: سوار برخر دجال بر مردم تاختند" و از بخت بد و شامت نحس جزای آنرا هم از طرف خود مردم دیدند.

قبل از آنکه برکفته، شاغلی جمال که دارای مطالب تحلیلی و آنهم مقایسویست البته با اندکی وسعت نظر، تاحد امکان، روشنی اندازیم، بهتر است به یکی از حقایق تاریخی ایکه با این مبحث ما ارتباط تام معنوی دارد و کمتر در نوشته های ما از ان تذکر می رود، اشاره ای بکنیم:

افغانها در قرن بیستم باعث سقوط دو ابر قدرت استعماری و متجاوز کردیدند که در تاریخ معاصر به "سقوط اپراطوری ها" هم شهرت دارد.

سقوط این امپراطوری های توسعه طالب، به نوبه باعث نتایج کوارا و ناکوار، مثبت و منفی و خوب و بد به سطح منطقه و جهان به شمول خود کشور ما افغانستان کردید، به این معنی که درهمسایکی ما باعث تشکیل کشورهای جدید ، کوچك، ضعیف، بی ثبات، نادار و تاحدی هم محروم از سیاست مستقل شد و خلاف توقع بلای جان ما شدند که نفاق و جنکهای داخلی و دوام آن در اثر مداخلات مستقیم اکثر همین همسایکان و هم پیمانان سیاسی و نظامی ایشان را امروز به تمام معنی احساس می کنیم که در حقیقت راه ستیز و کریز هر دو را از ما کم کرده است.

کاتب الحروف را عقیده برآنست که حقایق زیادی در این کفته وجیز جناب جمال مکتون و مستور است که نه تنها در مورد شاغلی مسعود و همراهان وی بلکه در مورد جمیع حالات و شرایط بدسیاسی / نظامی حاکم بر افغانستان و عاملین و فاعلین آن بدون استثنا آت زیاد صدق می کند و حقایق تلخی را بر ملا می سازد که هیچ یك از برادران و نور چشمان فریب خورده و در کیر در جنکهای فرساینده، کنونی کشور، نمی تواند از بار کران مسوولیت های اسلامی و ملی آن شانه خالی کند.

به هر تقدیر چون محتویات این کفته، تحلیلی و مقایسوی از جمله مسایل عمده حیاتی و جدی به شمار می آید، فلهذا روشن ساختن بیشتر زوایای آن، امریست حتمی ولازمی که نباید ازان سرسری کذشت.

بادر نظر داشت عنوان این مقال و شرح وبسط مدلل و مقنع ادعای درست شاغلی جمال که قراین زیادی در مورد آن موجود و مشهود است، جز دو راه نسبتاً کوتاه،

بقیه صفحه: ۸

ایا مونږ تاریخ لرو؟

غلی خیلی

"ام البلاد" او "د تمدنونو زانکو" هغه غوره صفتونه دي چې زمونږ د لرغونې او تاریخې هیواد د یوې برخې (بلخ) په نصیب دي چې له دغه ځایه تمدنونه پیل شوي او نورو هیوادونو ته لیږدیدلي او د اکسوس (آمو) دریاب په غاړوکي یې خپلې تیلي او ریښې وزغلولې، د تاریخي اثارو خاوند شو، په ډېرینو کتیبو شتمن شو او اشوکائي نهضت یې په پراخه لمنه کې اوچت کامونه واخستل.

مونږ خو تر اوسه په دې فخر کاوه چې زمونږ لرغونې او تاریخې هیواد کران افغانستان څو زره کلن تاریخ لري.

د طلا تپې (چې یو وخت د کوشانیانو ښار و) د هغو شپږ قبرونو څخه د شلو طلا یې او سروزرو اثارو په میندل کیدلو سره چې د فرانسوي لرغون پیژندونکو د حفریاتو په وسیله تر لاسه شول دا ثابته شوه چې دغه هیواد د اووه زره کلن تمدن څښتن دی. او د کندهارا په بیلو بیلو سیمو کې یې د کریك او بودیك اثار موجود دي چې په سلو کې اتیا یې د غیر فني کیندلو له امله له منځه تللي او په سلو کې شل دوروستنیو برغلونو په ناورین کې د ټول افغانستان دودان پاتې کیدلو پرځای د یو څو تنو هغو توپکیانو کورونه اباد او ودان شویدی چې نه ورته وطن، نه ورته خپلې مورنۍ ژبې او خپل اصلي افغاني تمدن ارزښت درلود. د خپلو نومیالیو تنګیالیو بابا ګانو پګړۍ، توره او تومانچه یې د قدرت پرګدۍ د کښتیا ستلو په بدل کې د افغانستان او افغانانو د خاورې دښمنانو ته دوه لاسې ډالۍ کړل او اوس دومره څه نه دی ورته پاتې چې لږ تر لږه خان پرې افغان ثابت کړای شي.

دا ټول د افغانستان او افغانانو دښمنانو چې ملي هویت او ماهیت یې نه دی معلوم له منځه یووړل، یا به داسې ووایو چې دوی پرې د خپلو خانونو او خپلو دښمنانو ښه وکړه او اوس یې ورباندې د کفر دوسیلی تور ولګاوه او د سلو یې ګناه غویانو په قربانی کولو او خاړولو یې د هغې کفاره ادا کړه او په دغه توګه یې د خپل اسلامیت ثبوت ورانده یې کړ.

دوی خو د خدای جل جلاله او د خدای د بندګانو د غولو لوله پاره دا کار وکړ خو مونږ په دزړه تمدن د خاوندانو په توګه د ثبوت وراندې کولو په غرض چې لږ تر لږه د تمدن مینه وال پرې په مثبته توګه سرونه وښوروی څه ډالۍ کوو؟.

هغوی چې نه تاریخ درلود او نه کوم ځرګند ملي هویت، ایله "د تاریخ شکنو" په توګه خپل زړونه پرې یخ کړل او مونږ ټول افغانان یې د خان په څیر و ګرځولو او له تاریخي ژوندۍ موجودیت څخه یې "د پولي تك" ته کښینولو او ددې جوګه یې کړو چې ووایو: ایا مونږ تاریخ لرو؟ که لرو یې څومره لرغونی دی؟ او دغه لرغونتوب به څنګه ثابتوو؟

او په څه شي به یې ثابتوو؟

دوی خو د خپل ګناه کفاره د غویانو په حلاله ولو وکړه؟ خو مونږ به ددې کفاره په څه شي کوو چې له تاریخ نه خلاص شو.

ضرورت امروز نجات وطن از چنگال هـــــــزاران خارجی و تروریســـت اســـت

این واقعیت پس از صحبت آقای فرانسس ویندرل نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل با عده یی از افغانها شامل نماینده گان سازمانها، اقشار و اقوام مختلف افغانستان در منزل این جانب در پشاور بیشتر از هر زمانی برای اشتراك کننده گان قابل لمس و احساس بود چه طی این نشست که صحبت ها بدون پروگرام قبلی و تعیین اجندا صورت پذیرفت همه متوجه این نکته شدند که هر کدام از در دمشترك ((بیوطنی)) می نالیم وهمچنان پاسخهای ارایه شده در برابر پرشش های آقای ویندرل از موضعگیری یکسان و هماهنگی برخوردار بود.

پس از این دیدار، عده یی از افغانها تصمیم گرفتیم که دور یك محور گرد آمده و چاره اساسی یی را برای نجات وطن از بحران موجود جستجو کنیم و همان بود که درگام اول جلسه ای به اشتراك ۹ نماینده از سازمانها و نهاد های مختلف تدویر گردید، در جلسه دومی تعداد این نماینده گان به بیست تن ارتقاء یافت و در دیدار سومی نماینده گان افزون بر سی سازمان و شورای مختلف موجود در پشاور فیصله کردند که کمیسون مرکب از ۹ نفر تشکیل گردد تا در قدم نخست برای تشکل و جمعبندی نهادها و حرکات پراگنده افغانی در پاکستان و درگام های بعدی در سایر کشورها اقدامات لازم را رویدست گیرد.

همچنان فیصله بعمل آمد که بخاطر رسائیدن آواز این مجمع از افغانها سخنگویی را

شاغلی سید اسحاق گیلانی هنگام مصاحبه باخبرنگار اراده

انتخاب نمایند بالاخره بنده را افتخار بخشیدند که امید وارم بتوانم بار این مسوولیت خطیر را با امانت داری کامل و به وجه احسن بدوش بکشم.

می خواهم به صراحت عـــرض کنم که وضعیت کنونی از هر افغانی با هر طرز دید، اندیشه وتفکر، می طلبد که اختلافات شانرا کنار گذاشته و به یك نکته حیاتی و مهم که مسئله استقلال و امنیت کشور شان و رویکار آمدن یك حکومت قانونی و مشروع در افغانستان است، فکر نمایند.

متاسفانه عده یی از دوستان با عجله و بدون اطلاع دقیق و کامل از ضرورت تدویر این جلسات، اهداف و خواست های این مجمع از طریق مطبوعات به تبصره ها و بیان بازی های دست زدند و این همه در حالتی صورت گرفت و می گیرد که ما در پاکستان شخصیتی چون اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را سراغ نداریم که همه مردم با اطمینان به آوازایشان ولبیك بگویند. بناء انتخاب شخصیتی در راس این حرکت یا مجتمع افغانها نشان دهنده آن خواهد بود که مردم می خواهند شخصی را برای دفاع از حقوق شان برگزینند.

امید واریم با برقراری تماس ها با تمامی حرکات صلح جو افغانی در پاکستان و سایر نقاط جهان این حرکت به حرکت سراسری بخاطر نجات افغانستان مبدل شود.

سوال: منظور این است که یك حرکت برزگتر دیگر از مجموع نهادهای موجود در پاکستان چون حرکات روم و قبرس ایجاد گردد؟

جواب: نیت نداریم تا مگذاری کنیم و تا حال که نام گذاری هم نکرده ایم علت این بوده است که نمی خواهیم نام جداگانه و علیحده یی داشته باشیم. آرزو داریم که یکی از نهادهای موجود تقویه شود تا توانمندی لازم را منحیث ناجی افغانهای که باعالمی از بدبختی ها در پاکستان زنده گی می کنند دریابد.

سوال: تاحدی که محسوس است افغانها از حرکت های موجود و بزرگ چون (روم وقبرس) گله هایی دارند، بگونه مثال حرکت روم به بطی بودن محکوم است - صـ ۴

متحده جبهه او طالبان په دی هڅو کی دی چی د بر لاسۍ په صورت کی یو د بل په مقابل جبهه جوړه کړی او په خپلو منډو ترړو باندی د قدرت په گدۍ کښینی او د خپلی مطلقی شاهنشاهی نغاری بیا وډنگوی. خو په دی څوك نه پوهیږی چی بری به د چا په برخه وی او جگړه به د کوم لوری په گټه تمامیږی.

نن او سبا دواړه ډلی لگیا دی د وسلو او جنگیالی ډلو په برابرولو پسی گاولی باسی او یوه ډله د بلی نه د زیات گوانبن او رقابت څخه کار اخلی.

شمالی متحدی جبهی خو څوموده وړاندی د افغانستان شرقی، غربی، شمالی او مرکزی سیمو ته خپل قوماندانان په لسټونو کی نیولی چی په چریکی جگړو کی به خپلی هلی خلی جاری ساتی، له بلی خوا طالب چارواکو هم موقع غنیمت بللی او د وخت څخه یی په گټی اخستنی سره په خپلو موجوده و جنگیالاتو سربیره دیرش زره فدایان نور هم ورزیات کړی او د تخار ولایت د جنگ لومړنیو لیکو ته یی استولی دی چی د جنگ په صورت کی بیا اورونه بل کړی او د ماضی ترخه ډرامه یو څلی بیا تکرار شی.

په دی جنگو کی هیڅوك بری نه شی ترلاسه کولی پرته له دی چی هیواد نورهم د خاوروسره برابر شی او د بی دفاع افغانانو د مرگ او مړینی گراف لا پسی لوړ شی

که چیری جنگ او جگړی مشمره وای او مطلوبی نتیجی ترینه ترلاسه کیدلی خو نن به دخبرو پرځای ډیر هیوادونه هم په دی بدی بلا اخته شوی وای خو دا چی جنگ مردود گڼل شوی او خبرو ته قدر ورکول کیږی نو بیا خو په کار دی چی جنگی وسیلی لری وغورځول شی او دواړه ډلی خبرو ته سره کښینی! د هیواد او هیوادوالو په بقا او سعادت خبری وشی او ددغه جړی مشوړی

عبداللطیف "منت بار"

گوانبونه او رقابتونه!

سر را پیدا شی

د ملگرو ملتو د استازو منځگړتوب او د شپږ جمع دوه هیوادونو مشوری د بن، روم او قبرس د غونډو پریکړی د افغانستان په متحاربو ډلو هیڅ ډول اثر نه دی غورځولی او نه یی ددوی گوانبونه او رقابتونه کم کړی دی.

نن ورځ د نړیوالو سترگی پر افغانستان ورنښتی دی او هر هیواد ورته د تعجب او حیرانتیا په سترگو گوری. که په نورو هیوادونو باندی استعماری طاقتونه گوانبیږی او دی ته یی نه پریږدی چی د ازادی د نعمت څخه برخمن شی خو افغانستان خو د خدای فضل دی د یو اتیا کالونه را په دیخوا د انگریز نه خپله ازادی د سوك او څپیړی په زور تر لاسه کړی ده نو په داسی یو خپلواك او ازاد هیواد کی د خپل منځی جنگونو دوام به د څه له پاره وی؟ او څه مفهوم به لری؟ افغانستان ته لوی خدای "ج" هر څه ورکړی دی، هغه میوی دانی، کانی مواد او د کرکیلی طلاتی خمکی چی دی هیواد ته ور په برخه شوی دی، ډیر پرمخ تللی او مترقی هیوادونه ترینه بی برخی او محروم پاتی دی. خو کوم شی چی په اوس وخت کی افغانستان نه لری هغه د یوه رهبر او پر وطن مین زعیم نشتوالی دی. چی هیواد د یوه بی سرپوښه دیگ رنگ غوره کړی او هر څه پکی ورلویږی. په متحاربو ډلو باندی هم د ملت تنده نه شی ماتیدلی. دا خکه چی دوی د قدرت مینان دی او له خان نه پرته په بل چا باور نه شی کولای.

په یوه هیواد کی چی توپك حاکم وی، پوهی او استعداد کډه کړی وی نو ضرور به د هیواد والو ژوند د ناخوالو څخه ډك وی او هرڅه چی پری راځی نو له مجبورئ نه به ورته غاړه ږدی.

افغانستان په نولسمه پیړی کی دروس او انگریزانو د مطلق بربریت سره مخامخ و خو د افغانستان ملی زعامت دومره وکولای شوای چی په خپلی میړانی او د رایت سره یی د دوی د تمی هیله په نطفه کی خوسا کړه او خپل هیوادیی د اجانبو د تیری او لاس وهنی نه د تل له پاره وژغورلو. په اوس وخت کی چی په خپله افغانان دا نه غواړی چی هیواد یی له جنگ جگړو نه پاك او په یو مترقی او پرمخ تللی هیواد بدل شی نو په دی کی د افغانانو په خپله گناه ده دوی باید د ماضی ترخه ډرامه له نظره تیره کړی او دمستقبل له پاره په ټولنیزو نیکمرغیو لاس پوری کړی.

دا هیواد د افغانانو گډ کور دی یوه طبقه او یوه ډله پری حکومت نه شی کولای او نه ورته منسوبیدلی شی نو راځی چی د گوانبونو او رقابتونو پرځای رغنده چارو ته اوږه ورکړو.

د تبعیض او توپیر ټولی ریښی له بیخه و باسو او په خپلو خوانو طاقتونو او استعدادونو باندی د جگړی اور مړ کړو، تر څو چی هیواد مو خپل پخوانی برم بیرته ترلاسه کړی او دپرمخ تللو هیوادونو په ډله کی و دریږو خکه چی نه په زور باندی کلی شوی دی او نه چا له جنگ نه څه گټه ترلاسه کړی ده.

زما یو هوښیار او پوه دوست یوه ورځ د خو یادو کسانو په یوی درنی غونډی کی په خپل وار د یوی ډیری مهمی موضوع او مسئلی په اړه خبری کولی. ده وویل: یو وخت په یو هیواد کی چی نوی یی د اوږونه د بلواکی او غلامی چغ پورته شوی و خو خینو بدمرغو واکمنو یی د بلواکی بدرنګ خویونه نه و هیر کړی څو کسانو هوښیارو او پوهو خلکو ژوند کاوه. خپلو واکمنونه یی دا لارښوونه او سپارښتنه کوله: ای واکمنو! د خپلو ګاونډیانو سره د ښه ګاونډیتوب او ښو اړیکو په فضا کی ژوند وکړئ ځکه زمونږ هیواد د داسی هیوادو او ولسونو په منځ کی ژوند کوی چی د نړۍ ډیر ستر او خواکمن یرغلګر او زورګیر هیوادونه یی په ګونډو کړی. که چیری تاسو پدی هڅه کی شی چی خپلو ګاونډیانو ته کورنۍ ستونزی پیدا کړئ او یا د هغو په کورنیو چارو کی ګوتی ووهئ نو په یاد ولرئ چی یو وخت به د همدغی هیواد راتلونکی کول د غټ په نوم هغه څه سرته ورسوی چی تاسو ورسره کړی، تاسو به نه یاست خو د دغو ټولو بدمرغیو د مسوولیت دروند پیټی به ستاسو په غاړه وی.

دا چی د دغی هیواد د وخت واکمنان هوښیار وو نو د خپلو پوهو مشرانو او پوهانو خبری یی منلی او د خپلو ګاونډیانو سره د ښه ګاونډیتوب نیکی اړیکی ساتلی نو ځکه یی هیواد د ګاونډیانو سره د کړکیچ نه خوندی و.

هوا ټولنیز ژوند سړی او تودی لری، کله کله د خینو ناپوهو او خان پالونکو واکمنانو د ناپوهی او بی غوری له امله یو هیواد د کورنیو ستونزو سره مخامخ کیږی، کورنۍ ګډوډی منځ ته راځی، د ګاونډیو هیوادونو انسانی دنده او د ګاونډیتوب مسوولیت دا دی چی د دغو ستونزو په له منځه وړلو کی مرسته وکړی نه دا چی دغه اورته لمن ووهی او د خپل ګاونډی هیواد د ستونزو نه ناوړه استفاده وکړی او د هغوی په کورنیو چارو کی لاسوهنه وکړی.

زړه سواند شینواری

وختونه تیریږی پیښی پاتی کیږی

له دینه هیڅوک سترګی نشی پټولی چی حالات بدلیږی، وخت تیریږی، پیښی او خاطری یی پاتی کیږی.

دا د خواشینی ځای دی چی یو وخت د هغو واکمنانو نومونه چی د ګاونډی هیواد په کورنیو چارو کی ګوتی وهی او غواړی د نورو په هیوادو کی د بدمرغی لاملونه وزیږوی سبا به یی د ګاونډی هیواد د تاریخ په پاڼو کی په ډیرو کرکجنو او بدو تورو ولیکل شی او خپل هیواد او هیوادوالو ته به یی ډیری ستونزی او لاتجی پریښوی، هیڅوک چاته د خپلو بدو غټ نه پریږدی.

زما د دوست د دغو خیرونه دلته زما موخه دا ده د کومو هیوادونو کینه ګر او لنډ فکری واکمنان او چارواکی چی غواړی د افغانستان د کورنیو ستونزو او کورنیو جګړونه چی د څو پردیو لاس پوڅو د خان پالنی او خان غوښتنی له امله رامنځ ته شوی د خپل انا له مخی ناوړه ګټه اوچته کړی او دغه تراژیدی اوږده کړی باید هیر نه کړی چی لوی خدای به د افغانانو سره مرسته وکړی په ټولو ستونزو به بریالی شی د هغو هیوادونو چارواکی چی په دغه تنګ او اسکرلی وخت کی چی د افغانانو په کورنیو چارو کی لاس وهی پرته له دی چی خپلو خلکوته د راتلونکی وخت لپاره ستونزی پیدا کوی بله ګټه نه لری هیله ده زمونږ د ګاونډیو هیوادونو پوه انسان دوسته او خیر غوښتونکی انسانان خپل بدنیتی چارواکی د دغه ډول لاس وهنو په خرابو عواقبو پوه کړی.

داسی وخت به راشی چی زمونږ دښمنان به د نورو هیوادونو سره لاس او ګریوان وی او افغانانوته به خړ، خړ راګوری.

غواړی به چی افغانان ورسره مرسته وکړی خو په کوم سترګو په د افغانانونه د مرستی غوښتنه کوی؟

هوا افغانانو د خپلو څو کلنو په غمیزی کی خپل دوستان او دښمنان ښه وپیژندل.

زمونږ هیله دا ده د هغو هیوادونو چارواکی چی د افغانانو په کورنیو چارو کی لاسوهنه کوی دغه اور خپل کورته یو نه سی د افغانانو سرونه به مات شی څو چاته به ټینټ نشی ځکه افغانانو نه غلامی لیدلی او نه د بل چا لپاره غلامی غواړی.

همدا اوس د افغانانو هغه ماشومان چی په خانګو کی خانګی او یا د افغانی میندو په غیږ کی سترګی غړوی د خپل پلار، ورور او نیکه قاتلان پیژنی داسی افغان نشته چی د خپل وطن او ملت دښمنان او دوستان ونه پیژنی. زه باور لرم چی د هیوادونو پوه او با احساسه انسانان به خپل واکمنان پدی خبره وپوهوی چی د ګاونډیانو سره د ښه ګاونډیتوب په فضا کی ژوند کول ثواب او ګټه لری.

یو وخت چی افغانان د خپلو دښمنانو او دوستانو په هکله څه لیکی نو شك نشته د هغو هیوادونو د لنډ فکرو او کینه ګرو واکمنانو او چارواکو نومونه به هم ولیکل شی چی افغانانوته یی اوس او خپل ولس او هیوادته د سبا او راتلونکی لپاره ستونزی پیدا کوی د دغو بدمرغیو مخه پوه او د ښه نیت او نیك احساس لرونکی له منځه وړلی شی.

ضرورت امروز نجات وطن از چنگال هزاران ...

و قبرس متهم به آن است که از سوی یکی از تنظیم های جهادی تند رو بخاطر سپوتاژ روم بنایافته، حرکت جدید (پاکستان) خواهد توانست به تقاضاهای ملت افغان جواب مثبت بدهد؟

جواب: به نظر من بطی بودن حرکت روم هم مربوط به ملت افغان است که چقدر می توانند آنرا سرعت ببخشند، روم می خواهد مطمئین باشد که از پشتیبانی کامل تمامی گروپ های کوچك و بزرگ افغانها در هر گوشه و کنار جهان برخور دار است.

در رابطه با قبر س باید بگویم که خورم شخصاً عضو هیئت اجرائیه این حرکت هستم و این اتهام بکلی اشتباه و نا درست است که گویا حرکت قبرس از سوی یك تنظیم راه اندازی شده است. اگر چنین می بود به یقین برای شما می خواهم به عرض برسانم که اسحق گیلانی عضویت آنرا حاصل نمی کرد، این حرکت از سوی یك تعداد افغانها راه اندازی شده و این حق را هر افغانی در هر کجایی که زنده گی می کند دارد که بخاطر صلح راهی را جستجو نماید.

ما که اکنون خواسته ایم در پاکستان (پشاور) چنین حرکتی را تدارك ببینیم فکر می کنم حق مسلم هر نهاد افغانی است که بخاطر نجات وطن و مردم متحد شوند. ما در پشاور متاسفانه تا حال سازمان و رهبری واحدی نداشته ایم که بتواند از همه افغانها نماینده گی بکند و اگر ماموفق شویم که بانزدیك ساختن سازمانها و نهادهای موجود در یك محور، مرکزیتی را بوجود بیاوریم کار بزرگی خواهد بود.

سوال: موضعگیری این حرکت یا نهادی را که شما می خواهید آنرا بنیاد گذاری کنید در قبال نیروهای در گیر جنگ در افغانستان چگونه خواهد بود؟

جواب: فکر می کنم هر افغانی که وطنش را دوست دارد با جنگ و ادامه آن مخالف است و همین حرکت های که در خارج از کشور ایجاد شده و یا می شوند تماماً باگروپ های جنگی در مخالفت و تضاد قرار دارند و قطعاً از آنها پشتبانی نمی نمایند. این ها خواهان صلح در کشور شان هستند و از همین جهت در کشور های بیگانه به سر می برند. اگر بخاطر تقویه ویا پشتیبانی از جناح های درگیر تشکل می یافتند باید در کنار آنها می بودند.

سوال: تماس با جناح های درگیر و جلب همکاری آنها شامل پلان کارتان خواهد بود؟

جواب: از نظر ما حال بسیار دیر است اگر کسی کوشش کند طرف های جنگ را به هم نزدیك ساخته و از آنها خواهش تامین صلح را در افغانستان داشته باشد. زیرا درقدم اول جناح های یاد شده مستقل نیستند و دیگر اینکه در میان آنها درحدی افغان کشی صورت گرفته و به حدی افغان کشته اند و سر تا پا به خون ملت افغانستان آغشته اند که هیچ زمانی مورد اعتماد افغانها قرار گرفته نمی توانند، از نظر من تماس با اینها ضیاع وقت خواهد بود.

سوال: تا جاییکه دیده می شود، عده یی از افغانها عقیده دارند که با همکاری یکی از جناح ها می توانند صلح را در افغانستان تامین کنند اگر مشخص مطرح شود حزب اسلامی افغانستان به رهبری آقای حکمتیار طرح های مشخصی را هم در زمینه ارایه داشته اند و همچنان نماینده گان تنظیم محاذ ملی افغانستان به قیادت جناب پیر سید احمد گیلانی، هم دیدو وادیدهای از نزدیك با طالبان داشته است، چه فکر می کنید این تلاش ها مثمر نخواهند بود؟

جواب: چه بگویم تجربه چنین نشان داده است، زمانیکه آقای حکمتیار در پست صدر اعظم افغانستان جا داشتنه و به عنوان رهبر یك جناح مجاهدین قدرت حکومتی را در دست داشتند از چار آسیاب، کابل راهدف قرار میدادند و در نتیجه درگیری های شان با دولت آنوقت که از جناح دیگر مجاهدین متشکل بود هزاران تن هموطنان ما به شهادت رسید و هزاران دیگر بی خانمان شد، در آن زمان که نتوانستند مشکلات را حل کنند حال که... و به همین گونه آمد و شدها و ملاقات های نماینده گان محاذ ملی افغانستان با طالبان هیچ موثریتی نخواهد داشت زیرا جانب مقابل یعنی طالبان نمی توانند در زمینه مستقلانه تصمیم بگیرند، آنها (طالبان) که اختیار دارنیستند، در افغانستان اختیار بدست بیگانگان و خارجی ها قرار دارد، لذا من موفقیتی را در تلاش های هر دو تنظیم و همکاری با جناح های درگیر بخاطر حل قضایا و مشکلات افغانستان هم بشکل متحدانه وهم به شکل انفرادی نمی بینم.

سوال: جناب شما که با خاتمه یافتن جهاد، سلاح به زمین گذاشته و با حرکات و پروسه های صلح چون شورای تفاهم، روم و بعدتر قبرس همکاری های مشهود داشته اید، تا چه حدی از این پروسه ها یا بهتر بگویم حرکات راضی بوده و آنها را موفق می دانید؟

جواب: حرکات یاد شده از سوی شما هر کدام در زمان معین اهمیت خودش را داشت، وقتیکه ما شورای تفاهم را اساس گذاشتیم و اتفاقاً بنیاد آن در منزل ما گذاشته شد، در آنوقت موجودیت چنان شورایی بخاطر جلوگیری از براد ر کشی و خاموش ساختن آتش جنگ میان گروه های رقیب ضرور بود و شورا با بسیج افغانهای مهاجر در پاکستان، اروپا و امریکا توانست یك سازمان بسیار قوی را ایجاد کند، اما باتاسف که چون سایر سازمانها، احزاب و شوراها دوام نیاورد و به پیمودن قوس نزولی خودش مجبور شد،

بقیه صـ ۶

ای قریحهء شعر!

ای قریحهء شعر!
ای نگارندهء سرنوشت ها!
بیم هاییکه براندیشه و پندار من سایه افکنده بودند
خواب های پر هراس شب های در ازمن
وفالهای شومی که در اوهام خویش دیده بودم
راست ودرست بیرون آمدند
درخش قضا و آذرخش قدر،
تیغ هائی را که بر فراز من آویخته بودند
موازی بر پیکر من فرود آوردند
شعله های سوزان از پیکر من بلند می شوند
خون های من نمی تواند آنرا فرو بنشانند.
بار من گران و دوش من ناتوان است
اندوهی که:
اگر آنرا برکوه گران گذارند خم شود
و اگر بر دریا بگمارند درنگ کند،
زمان، بدانچه بایست مرا در جوانی گمانه میکرد
در پیری و ناتوانی آزمون می کند،
مرا برای درد و رنج دیگری آماده کرد
و به اندوهی که نمی شناختم روبرو ساخت
شوم است سرنوشت شاعری که:
مادرش زمانی که او را در نفس داشت،
شبانگاه از زیر درختان نمی گذشت
و از سایهء ارواحی که بر درختان می خسپیدند*
دوری می کرد.
شمشیری را که پدرش در جنگهای مقدس آز موده بود.
وبرپولادی چون برگ آن واژه های کتاب آسمانی رانوشته بودند
درته بالین وی می گذاشتند
و ارواح ناپاك به وی نزدیك نمی شدند.
چون بزاد:
این کتاب مقدس را در گوش و ی فراخواندند
در کودکی بوی حیا و آزرم آموختند
گفتند دست و زبانش را پاك نگهدارد.
در جوانی درس غرور، کرامت و ناموس گرفت
اندیشه و پندار او را نیك کردند،

سینهء او را شگافته و بانور ایمان انباشتند
و آنگاه با تار ناگسستنی ریسمان خدا دوختند
دلش را با فروغ آزادی فروزان
و خونش را با آتش دلیری گرم کردند
در زمان پیری از اسارت و خواری مردم خویش فریاد می کند
و سرود واپسین وی نعره ی نفرین است
شاعری که:
نیایشگاه آخرین عشق و دوستی او را ویران کرده اند
معبد آزادی او را آتش زده
کتابش را بسته و خامه اش را شکسته اند
کینه و نفرت او به دشمنان و ستمگرانی که
خدای او راتحقیر ومردمان او را اسیر می کنند عبادت اوست

ای قریحهء شعر!
فرشتگان آسمان را بگوی گوش ها شان را ببندند
و شیاطین زمین را وادار تا بنیوشند!
تا پاکانرا نیازارم
و از ناپاکان کین برآرم
حکم ضمیر انسان را برای شان برخوانم
و خشم خدا را بر ستمگران بر انگیزانم

عبدالرحمن پژواك

---

* افسانه و اعتقادات عوام

شعر او ادب گل پانې

دل افروز حیرك

تاته و ایم اراده یم

ښه مظبوطه اراده یم | له ډیر وخته نه پخه یم
خوځیدی را ځینی نه شی | لر او بر لره تحفه یم
ځو ځو ژبی نه لرم زه | یوه کلکه پښتنه یم
خپل افغان تېر لپاره | څه وړوکی شان ډیوه یم
که تاجك هزاره یو شی | په بلوڅ ترکمن خفه یم
دغه واړه زمونږ ورونه | په هر یو پسی ږنده یم
چی جلا راځنی نه شی | په پردی ملك کی ستنه یم
خیر یو ورځ به سره کینو | د خفه زړونو پلمه یم
ای رقیب کونکسی مکړه | میږنی لرم درنه یم
د ځیرك عظیم پایښت ته | اراده یم، اراده یم، اراده یم

داستان کوتاه

نوشته کوه بابا

گرخت انار

"بختو" در حالیکه نفسك نفسك می زد و عرق های سروصورتش را بایکی از نوکهای چادرش پاك می کرد و می کوشید که نوك دیگر چادرش و انشود و آنچی را که در ان پیچانیده بود، در زیر بغلش محکم گرفته بود با صدای بلند می گفت:
مادر مادر!
مادر از گوشه یی حویلی از کنار مرغانچه بالهجه حزین پاسخ داد:
چی می کی؟ چی کپ است؟
بختو شوق زده به سوی او دویده گفت:
انار انار!
این را گفته و نوك چادرش را باز کرد، چند تا انار سرخ بزرگ در آغوش مادر ریخت.
مادر ذوق زده انارها را از روی دامنش برداشت و در شاخهء چادرش آنجا که چند تا تخم مرغ را هم جا بجا کرده بود گذاشت و از بختو پرسید:
باغ خو، راکت باران شده بود و همهء درختان سوخته بودند، تو این انارها از کجا کردی؟
بختو پاسخ داد:
درهمان گوشه باغ در همان پهلوی دیوار، همان یك درخت جوان زنده مانده است و شاخه هایش پر از انار می باشد.
مادر از شنیدن این خبر چهره اش چون گل شگفت و سرش را به سوی آسمان نموده گفت:
الهی شکر!
و بختو به سخنهایش ادامه داد:
دستم به شاخه های بلند نرسید و از شاخه های پایانش این چند تا را گرفته آوردم.
مادر از جایش برخاسته پیشانی دخترش رابوسیده گفت:
بچیم تو هنوز یك دخترك کوچك هستی، قدت هنوز آنقدر بلند نشده است که بتوانی از شاخه های بلند انار بگیری. ایکاش پدر وبرادرانت می بودند و درین حالت آهی عمیقی از دل برکشید.
و بختو گفت:
خیر باشد فردا هر دوی ما یك جا می رویم و من به شانه هایت بالا میشوم و اناهای دیگر را می چینم.
مادر در حالیکه مرغ ها را به مرغانچه جابجا میکرد و دروازه مرغانچه را می بست گفت:
آری همانطور میکنیم، حالاخودت این تخم ها و انارها را بگیر وبرو به بازار آنها را بفروش و پولش را نان خریده بیا.
مادر انار ها و تخم ها را به یك گوشه چادر بختو بسته و بختو راهی بازار شد. چند قدم که برداشت پس گشت و خطاب به مادرش گفت:
مادر جان! چادرم را خوب به دور گردنم بپیچان تابی حجاب معلوم نشوم که باز آزارم می دهند.
مادر در حالیکه چادر سیاه رنگ و کهنه بختو را به دور سروصورتش می پیچاند گفت:
بچیم تو هنوز طفل هستی و هنوز حجاب برایت فرض نیست.
بختو بانگاه های معنی داری به مادرش نگریست و بعد راه بازار را پیش گرفت. چند قدمی که رفت باز پس گشته گفت:
مادر جان یك دانه از انارها را بگیر و برای من نگاه کن، دیر شده که انار نخورده ام خیلی دلم می خواهد که انار بخورم.
و مادر که با نگاه های ژرف و دلسوزانه به سوی دخترش می دید گفت:
می بینی که بسیار قحطی و قیمتی است، این چند تا انار و تخم مرغ شاید یکی دوتا نان هم نشود و اگر یك انار راهم تو بگیری پس چطور می شه؟
بختو تضرع کنان از مادرش خواست:
همی یکدانه را برای من بگیر، اگرنان کم شد، من عوض نان انار می خورم.
مادر در حالیکه دست نحیف وپیرانه اش می لرزید، یکی از کوچك ترین انارها را از شاخه چادر بختو برداشت.
بختو به بازار رفت و پس از ساعتی با دو قرص نان نازك برگشت و هردو قرص را به مادرش داد.
مادر یکی را واپس به بختو داد که بخورد و بختو گفت:
نه مادر، مه امشب انار می خورم و نان را برای فردایم نگهدار.
و مادر چنان کرد.
فردامادر و دختر به سوی درخت انار رفتند، نسیم صبحگاهی نرم نرم می وزید و شاخه های درخت انار در برابر این نسیم خوشگوار آهسته آهسته این سو وآنسو خم میشد ودانه های انار در میان برگها، گاه گاهی در پرتو نورزرین خرشید جلوه نمایی می کردند. مادر و دختر ذوق زده انارها را تماشا می نمودند و تلاش داشتند تا خود را به آن شاخه های بلند برسانند وهمهء انارها را بچینند. مادر دخترك را برشانه هایش سوار نموده، آهسته آهسته قد راست می نمود و به سوی انار ها بلند می شد، دخترك در حالیکه آستین های پیراهنش به سوی بازوانش آویزان شده و دستان خوش نما و خوش ترکیب لاغرش به سوی انارها نزدیك میشد، هی خطاب به مادرش می گفت:
کمی بلند تر کمی بلند تر!
مادرش می کوشید که بانوك پاهایش استاده شود تا بتواند بلند و بلند تر گردد ولی هنوز دست بختو به انارها نمی رسید.
پس از تقلا و کوششها که بی نتیجه ماند مادرش تصمیم گرفت که از انسوسنگی را بیاورد و به زیر پایش بگذارد و بعد دوباره دخترك را به شانه هایش بالا نماید.
بدین منظور به دخترك گفت:
حالاتو همانجا در میان شاخه ها خود را جابجا کن و منتظر باش، تا من سنگ نزدیك درخت را این سو آورده در زیر پاهایم جابجا کنم و آن وقت خودت دوباره به شانه هایم بالا شده خود را به انارها برسان.
دخترك اطاعت کرد و مادر به سوی سنگ رفت تا آن را در کنار درخت آورده در زیر پاهایش قرار دهد.
مادر با سنگ در کش و گیر شد. لحظه هایی این کش و گیر ادامه یافت و ناگهان صدای مهیب انفجار ماین زمینی فضای باغ را به لرزه آورد، گردو خاك انبوهی فضای روشن صبحگاهی را تیره و تار ساخت. وقتی گردوخاك فرونشست تعشهای توته توته و پارچه پارچه به هر سو به نظر می آمد:
نعش مادری و دخترش و درختی و...

مختصری در مورد جلسهء شوراها و بنیان های سیاسی اجتماعی افغانها در پشاور عکس العمل ها و انعکاسات در آن باره

درین اواخر مفکورهء ای بار دیگر نزد افغانها و تعداد زیادی از بنیادهای سیاسی /اجتماعی و اشخاص منفرد مونر افغان در سراسر دنیا پیدا شده است که با در نظر داشت اوضاع بدسیاسی /نظامی در افغانستان از یك طرف و بادر نظر داشت رد هر گونه پیشنهاد های سازنده و مفید صلح توسط دوگروه درگیر در جنگ و نیز مداخلات مداوم خارجی که در حقیقت حیثیت جنگ و تجاوز تمام عیار اما اعلان ناشده را دارد. به این نتیجه رسیده اند تا جمیع این سازمان های سیاسی /اجتماعی گرد محور یك مفکورهء ملی و میهنی جمع شوند و برعکس سابق، همه روی یك پلیت فارم گرد هم آیند، عمل و نظر را توحید بخشند وبا یك زبان سخن گفته، همه قابلیت ها و وسایل کار خود را شریك سازند و ارتباطات خود را برعکس گذشته استحکام بخشند. از پراگندگی و تشتت بدرآیند و به این ترتیب اکثریت بزرگ مسلوب الحقوق هموطنان خود را که به اکثریت خاموش شهرت یافته اند دریك (تشکل سازمان یافته) جابجا کنند. تشکل سازمان یافته ایکه از یك موقف و موضع قوی تر و مقتدر، بتواند جوابگوی این همه مشکلات سیاسی و اجتماعی ما گردد.

چنانچه در بالا متذکر شدیم که این جریان (باردیگر) به ظهور پیوسته است به این معناست که تعداد محدودی ازین جر یانات سیاسی / اجتماعی ما در سابق هم دارای عین مفکوره بوده اند که ما تنها به فعالیت های شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان منحیث مثال و مشت نمونه خروار اشاره می کنیم که در اسناد مهم این شورا طبع سال ۱۳۷۳ و در نشرات دیگر آن از قبیل بولتین های پانزده روزه آن از اوایل سال ۱۳۷۱ مرتباً نشر و ثبت گردیده و تعداد زیادی انجمن ها و نهضت های مماثل وهم فکر افغان در داخل و خارج به آن پیـــــــوسته اند که فهرســـت نام و آدرس های آنرا می توانید در صفحات ۱۴۴ تا ۱۴۸ (استاد مهم شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان) چاپ پشاور سال ۱۳۷۳ هجری شمسی ملاحظه فرمایید و شرح و بسط ان را در صفحات ۶۲ تا ۷۰ وفراخوان شورای تفاهم مورخ ۶ قوس ۱۳۷۲ از صفحهء ۷۱ تا ۷۸ مطالعه کنید.

به هر صورت کوشش تعدادی از افغانها و انعقاد جلسات خورد و بزرگ مقدماتی منتج به آن شد تا جلسهء نسبتاً بزرگی در منزل شاغلی سید اسحق گیلانی رئیس سابق شورای تفاهم، انعقاد یابد که تعدای از افغانهای منفرد نیز به کمیت و کیفیت آن می افزود.

دراین جلسه در حدود ۲۶ نفر برای سخنرانی ثبت نام کردند که هر یك به نوبه در مورد مسایل ومشکلات بزرگ افغانستان از قبیل بوجود آوردن ارتباطات نزدیك ذات البینی بین افغانان بحرانات متنوع موجود مثلاً بحران اعتماد، بحرانات اقتصادی و اجتماعی منحیث عموم، مشکلات مهاجرین، تدویر لویه جرگه عنعنوی، انواع تعصبات که باعث انواع تبعیضات شده اند، بحرانات فرهنگی و امثال آن سخن گفتند در خلال این جلسله از تاخت و تازهای شخصی و مشخص که اکثراً فضای چنین جلسات را تخریش می کند، سخنی به میان نیامد. بطور مثال یکی دوتن از ناطقین این جلسه که شاید در اثر سهو وخطا و یا بروز احساسات محض وخلاف توقع، بریکی از دوگروه مسلح تاختن گرفت که فی الفور از طرف هیئت ریشسه جلو آن گرفته شد و بعداً یکی از ناطقین جلسه این رویه را به وضاحت خلاف روحیهء اصلی جلسه خواند وآنرا خارج از موضوع اصلی و اهداف ملی جلسه ارزیابی کرد.

در مورد بروز بعضی از اختلافات سیاسی و نظری که یکی دو جریدهء چاپ پشاور به آن اشاره کرده اند باید گفت که چنین اختلافات نظری از جملهء امور عادی و روتین چنین جلسات بزرگ بشمار می رود که باید روشنی ای بآن اندخته شود به این معنی که: در اصل پرنسیب که گرد همایی و توحید نظر و عمل بود هرگز اختلاف وجود نداشت البته این نظر به میان آمد که این جلسه عجالتاً تا هنگام تدویر کانگرس خود که مشمول نماینده گان همه بنیان های سیاسی اجتماعی در سرتاسر دنیا خواهد بود باید نه رئیس مشخص ودایمی داشته باشد و نه سخنگوی مشخص و دایمی بلکه در عوض این جریان تا تدویر مجمع عمومی بصورت دسته جمعی توسط کمیتهء کار یا انسجام منتخب اداره گردد. به طوری که هر عضو این کمیته برای مدت دوماه هم ریاست موقت کمیته را بدوش داشته باشد و هم وظیفهء سخنگوئی موقت را چه جلسهء حاضر مستحق نخواهد بود رئیسی برای این جریان تعیین کند یا اساسنامه ای بسازد و بدین ترتیب مسایل عمده به مجمع عمومی که طبعاً مجمع وسیعی خواهد بود باید موکول گردد -

بقیه صفحه ۷

ضـــرورت امـــروز نجـــات وطـــن از چـــنگال هـــزاران خارجی ...

زیرا نتوانست با تقاضاهای زمان وشرایط خودش را عیار سازد، ولی نباید فراموش کرد که شورای تفاهم در زمانش کار های بزرگی را انجام داد و از شهرت خوبی هم بر خوردار بود، متاسفانه با بروز مشکلاتی در سیستم رهبری و اداری آن تشخص و اهمیت لازمی شورا خدشه دار گردیده است با آنهم امیدواریم با وارد آوردن تغییرات مثبت در آن، شخصیت های پراگنده افغانی که آرزو دارند در وطن خویش شاهد قیام یك حکومت مشروع باشند زیر نام شورا یکجا شوند وشورا بتواند از قوت و اتوریته لازم بازهم برخوردار شود.

سوال: تلاش ها شما که در رابطه با احیای این شورا و ادغام سایر نهادها در آن راه اندازی نگردیده؟

جواب: امکان دارد، از آنجاییکه ما تاکنون برای حرکت مان نام یا عنوانی را انتخاب نکرده ایم، بایکی از حرکات موجود که از شهرت واهمیت لازم برخوردار بوده باشد البته با وارد آوردن تغییراتی در سیستم های کاری آن ووفق دادن آن با شرایط ووضعیت موجود یکجا شویم.

روم و قبرس که از ما زیاد فاصله از لحاظ جغرافیایی دارند و به این زودی زود روی آنها تصمیم گرفته نمی توانیم از نظر من فعلاً برای ما زنده گی دشواری که افغان ها در پاکستان می گذرانند مهم است تا آنها مرجع پیدا سراغ داشته باشند که مشکلات شانرا حل نماید.

سوال: اظهارات شما هوشداری از دلسردی تان از حرکات روم و قبرس می دهد! چنین نیست؟

جواب: من از هیچ حرکت صلحجویانه یی دلسرد نیستم، هر حرکتی با هر پیمانه وقوتی که در هرکجا یی بخاطر صلح در افغانستان تلاش داشته باشد از آن پشتیبانی می نمایم. امیدوارم این دو حرکت فعالانه تر بکار شان ادامه دهند و بکوشند با کنار آمدن و همکاری با هم راه رسیدن به صلح واقعی در کشور را کوتاه تر سازند، زیرا تجربه نشان داده که جداگانه وپراگنده و به تنهایی هیچ حرکتی نه روم نه قبرس و نه شورای تفاهم و نه ما ونه هیچ یك دیگر قادر به حل مشکلات کشور نخواهد بود، زمان آن فرا رسیده که افغانها به هم نزدیك شده و استقلال کشور شانرا بدست آرند، امروز افغانستان توسط عده یی از خارجی هاییکه از هرگوشه و کنار جهان گرد آورده شده اند اشغال گردیده است. همین اکنون اضافه از نزده مرکز تروریستی در افغانستان وجود و فعالیت دارند، امکانات بزرگی چون میدانهای هوایی، مراکز تعلیمی و تبلیغی را در دسترس دارند. ما به چشم سر شاهدیم که تنها آنهاییکه در کشور خود شان عاری از اختیار و صلاحیت اند افغانها هستند. بخاطر اختیار دار ساختن افغانها وبخاطر ایجاد یك نظام قانونی و مشروع، بخاطر نجات وطن، استقلال وطن و بخاطر اعاده حثیت افغانها در افغانستان مجبوریم تلاش های را در جهت نزدیك سازی همه سازمانها و حرکت ها و نهاد ها به راه بیندازیم تا همه برادر وار و در کنارهم به شکل جمعی کشور مانرا از منجلاب بدبختی ها نجات بخشیم.

- این بدین معنا نخواهد بو که حرکت سومی علاوه از حرکات روم و قبرس در پاکستان اساس گذاری می شود؟

- واضح است ما در پاکستان زنده گی می کنیم، اکثریت افغانهای مهاجر در پاکستان زنده گی دارند، اضافه از دوملیون مهاجر افغان در پاکستان وجود دارد، اکثریت سازمانها و شوراهای مختلف سیاسی و اجتماعی مربوط افغانها در پاکستان مقر دارند، اگر ما بتوانیم یا این توانمندی را حاصل کنیم که همه این نهادها را زیر یك سقف و دور یك محور گرد آوریم فکر می کنم خدمت بزرگی را برای وطن و مردم مان انجام داده ایم.

سوال: شما از مسئله اشغال افغانستان توسط خارجیها یاد کردید و دراین اواخر مطبوعات احتمال وضرورت تجزیه افغانستان را مطرح ساخته اند، چه فکر می کنید ممکن است افغانستان تجزیه شود؟

جواب: جای شك نیست که آغا شاهی سیاستمدار برجسته و وزیر خارجه فعال پاکستان بوده است اما نمی دانم این بار چرا عجولانه قضاوت کرده است، ایشان نه تنها خود شانرا از تاریخ افغانستان بی خبر نشان داده اند و سخاوتمندانه به گرویل افغانستان و تقسیم آن بین کشور های آسیای میانه، ایران و هندوستان می پردازند، بلکه موجودیت ووجود بالفعل و بالقوه یك کشور اسلامی دیگر را که صاحب اتوم هم است وازلحاظ موقعیت جغرافیایی حدود وسیع یی را بین افغانستان و هندوستان حایل می باشد نیز فراموش کرده اند.

خوب اینکه دنیا و یا کشورهای دیگر به این نتیجه می رسند که افغانستان بایست تجزیه شود و یا قابل تجزیه است بازهم مربوط می شود به ما افغانها که ماچقدر اهلیت و صلاحیت آنرا داریم که این فارمول ها و پیش گویی ها را نادرست ثابت سازیم. در این راستا اتحاد ما ضرورت است ما باید نظام قانونی و مشروعی را در وطن خودمان ایجاد کنیم و وطن را از چنگال هزاران خارجی و تروریست نجات دهیم در غیر آن این فارمول ها و طرح ها می توانند عملی شوند.

سوال: در تنگنایی که از شش جهت بیکسی ملت افغان را می فشارد چگونه ممکن خواهد بود از شر خارجیها نجات یابیم؟

جواب: ببینم تاریخ مادرسهای آموزنده زیاد دارد بگونه مثال در زمان تسلط انگلیسها وقتی مکناتن کشته شد تنها برانیدن بود که نیمه جان امکان خارج شدن از افغانستان را یافت، حال عین حالت و عین وضعیت حاکم است. اگر ما واقعاً افغان شویم. و بخاطر وطن مان افغنستان درست و سالم با اندیشیم و همدیگر خود را دوست داشته باشیم و بتوانیم رهبری سالم و واحدی را برای ملت مان معرفی کنیم و آنرا دریابیم. ملت بزرگ ما این شهامت را دارد که با خارجی ها ولو با دستان خالی هم تصفیه حساب کند، زیرا این ملت بخاطر دفاع از نوامیس ملی ووطنی به پا می خیزد وقتی افغانها بخاطر دفاع ازخاك، وطن و استقلال شان کمر بستند فکر نمی کنم راندن خارجی ایکه هیچ گونه دلچسپی یی به این سرزمین هم ندارد کار مشکلی باشد.

بقیه در صفحه ۸

ملامحمد عمر هم معزول...

این مجله راپور هائی در مورد افغانستان را در سه بخش به چاپ رسانیده است که توسط خبرنگارانی تالیف و تحریر شده است که از افغانستان دیدن کرده اند. هفته نامه، مذکور در مورد افغانستان شرح مبسوطی نگاشته است، دو تن از اعضای تحریر این مجله خانم امارتورا Miss Amartora و شوهرش Muhammad Miasaid شخصاً از افغانستان بازید کرده اند. ایشان در این سفر به جلال آباد، کابل و همچنان بامیان رفته اند. ایشان عکس هائی را از مجسمه های بودا که هنگام سفر خود، برداشته بودند به چاپ رسانیده اند.

خانم امارتورا در راپور مورد نظر می نویسد که ما فکر نمی کردیم که وزارت خارجه، طالبان به ما اجازه بازید از بامیان را بدهد. اما ایشان به آسانی این اجازه را بما تفویض کردند. مشار الیها از قول وزیر اوقاف طالبان می نویسد که ملامحمد عمر پیغمبر نمی باشد و در صورتیکه مرتکب اشتباهی کردد می توانند او را تعویض کنند.

نامه نکار موصوف می نویسد که وزیر اوقاف تحریك اسلامی طالبان به ایشان گفت که امکان و احتمالاتی موجود است که ایشان قبودی را که بر تلویزیون و سینما وضع کرده اند، مرفوع سازند نامبرده اضافه می کند که قبلا هم برخی از مامورین رسمی طالبان گفته بودند که این قیود را از تلویزیون برخواهند داشت اما طالبان بلند رتبه دولتی این نظر را مسترد کردند.

با تشکر از روزنامه د نیوز مورخ ۱۶ جولای ۲۰۰۱

دریور معین وزارت خارجه را ..

امور خارجه طالبان وباغبان وزارت خارجه را آنقدر با دنده های چوپ کتك زدند که دریور وفات وپیر مرد دهقان به حالت کوما در شفاخانه بستری شد.

خبر می افزاید: مناقشه زمانی اوج کرفت که دو تن از طالب های کندهاری مانع آبیاری شدن چمن وزارت امور خارجه کردیده ومی خواستند آب را به ارکـ ببرند، باغبان مقاومت کرد وآندو به ضرب وشتم وی پرداختند ودرین اثنا دریور که مسکونه (کوته اشرو) بود باغبان را نجات داد اما دقایقی بعد هشت تن طالب کندهاری بر سر وی ریخته وآنقدر هر دو را زدند که یکی وفات ودیکری به حالت کوما رسید.

خبر اضافه می کند، که قاتلین تا اکنون کرفتار نشده اند وشش طفل دریور بدون سرپرست باقی مانده اند.

طالبان جسد یك جنگجوی...

به تورخم حمل نمود، طبق کفته، محمود ذاکر یك سرباز طالبان این دو نفر پاکستانی حین جنکهای دشت قلعه در ولایت تخار واقع در شمال افغانستان زخم برداشته بودند. محمد ذاکر مذکور ماموریت انتقال یك کشته و دوزخمی پاکستانی را به تورخم داشت.

طبق اظهارات محمد ذاکر جنکها هنوز ادامه دارد. نامبرده در مورد معرفی مقتول پاکستانی اضافه کرد که اسم وی قوماندان نیاز محمد بوده که در شمال ولایت تخار می‌جنکید و از ساکنین دره، غازی خان از مربوطات ایالت پنجاب شرقی پاکستان بود که یك روز قبل در دشت قلعه هنکامی که طالبان می خواستند راه ارتباطی را بالای مخالفین خود قطع کنند، کشته شد. این راه ارتباطی تاجکستان را که کفته می شود مسعود در آنجا یك مرکز نظامی دارد با فیض آباد در شمال افغانستان وصل می کند که مرکز رئیس جمهور مفرور برهان الدین ربانی می باشد.

طبق کفته، محمد ذاکر جسد قوماندان پاکستانی اولا به کابل و از آنجا به سرحد تورخم منتقل شد و طبق اظهارات شاهدان عینی زخمیان پاکستانی در یکی از شفاخانه های قریب بستری شدند. با تشکر از نیوز، ۱۵ جولای ۲۰۰۱

جلب همکاری علمای مناطق ...

منابع آکاه اظهار می دارند که والی ننکرهار در افغانستان به همه روسای مشهور وعمده، جماعت علمای اسلام JUI مناطق قبایل نشین که به سیستم فدرالی اداره می شود، مکاتیبی ارسال داشته است که حاکی از جلب کمك های قبایلی آن والا به منظور ارسال ملیشه های طالب العلم برای جنکهای جاری ایکه علیه اتحاد شمال در افغانستان تحت رهبری احمد شاه مسعود براه انداخته اند، کردیده است. اتحاد شمال محض ده فیصد از اراضی افغانستان را در قبضه، خود دارد. طبق اخبار واصله در این مکاتیب اسامی آن عده از سران قبایل که با طالبان در ضدیت هستند نیز ذکر شده است.

قابل تذکر است که جمعیت علمای اسلام هم در ماه کذشته به تدویر یك جرکه، قبایلی پرداختند که در آن به منظور کمك با فعالیت های طالبان خواهان همکاری شدند.

همچنان این جرکه اخطاریه ای صادر کرد که اکر اقدامی در مناطق قبایلی علیه طالبان صورت کیرد، مسؤلیت آن کلاً به دوش ملك قریه یا منطقه خواهد بود. همچنان مبلغ (۵۰۰۰۰۰) روپیه جریمه برکسانی در دره (تیرا) وضع کردید که برخلاف طالبان داخل فعالیت هستند. باتشکر از روزنامه نیوز مورخ ۱۵ جولای

په فرانسه کی څوتنه افغانان ...

منبع زیاته کړه چې کابو شل تنه مهاجر چې افغانان هم پکې شامل دي زویل شوي دي، د ټینټی سیب تر اوسه معلوم ندي خو مهاجرینو تردي مخکې هم په واروار غوښتي و چې دوی دي پرینبودل شي چې نورو هیوادو ته پناه یوسي.

بقیه : سرمقاله

سید عبدالقدوس نویسنده پاکستانی و مولف کتاب "افغانستان پاکستان، یك پژوهش جیوپولیتکی" که به اقوال "اولاف کاور" انکلیسی اعتقاد داشته و از وی در رابطه با مواریث پاکستان نقل قول و اتکا می کند: ((در جریان سالهای ۱۰۲۵ - ۱۷۴۰ افغانها میان صفوی های ایران و مغلهای دهلی تقسیم کردیده بودند. هرات تا هلمند در تصرف صفوی ها و پشاور و کابل در تصرف مغلها بودند" و سپس می افزاید: "سر اولاف کاور در واقع صادقانه یاد آوری می کند که پاکستان نه تنها وارث انکلیس، بلکه وارث مغلها نیز می باشد: "هر کاه تاریخ معیار داوری پذیرفته شود" افغانستان باید به ایران و یا به پاکستان و اکذار کردد. زیرا طی قرن ۱۶ زیر سلطه ایرانیان و مغلها بوده است در حالیکه سلطه افغانها تا سرحد هند تنها چهل وشش سال دوام داشته است، ... پاکستان می تواند از لحاظ تاریخی ادعای بسیار اساسی بر کابل داشته باشد تا اینکه با نسبت جدید، چنین ادعای بر پشاور نماید))

آغا شاهی بسیار خویتر می داند که اکر وارث معیار قرار داده شود، وارث مغلها و انکلیس ها دهلی خواهد بود نه اسلام آباد.

و درجای دیکری از مصاحبه اش می خواهد طرح آقای کمال حسن نویسنده دیکر پاکستان را در رابطه با "اصول ناسیونالیزم اسلام" و اینکه: ((ما باید هر وقت و هر جا از مرزهای زبانی و نژادی بکسلیم و به دنیا نشان بدهیم که ناسیو نالیزم زیر بار اندیشه های جزیی نمی رود و به وحدت های سست اعتقاد ندارد، بهترین مکانی که می توان برتری ناسیونالیزم اسلامی را به نمایش کذاشت در میان رود آمو قرار دارد و بهترین زمان آن قرن بیست و یك است)) و همچنان سیاست رسمی حکومت را ((ما در افغانستان علایق امنیتی مردم نکرانه و جغرافیایی داریم، پشتونها باید در کنار ما باشند و طالبان از پشتونها نماینده کی می کنند)) بازبان خاص مسلکی اش چنین غلط ثابت می کند" ما باید از طالبان دوری کزینیم زیرا آنها حاضر نیستند به حرفهای ما کوش فرا نهند، طالبان فکر میکنند که همه دستاورد ها نتیجه فعالیت های خودشان بوده است، پاکستان باید هرکونه کمك های خویش به طالبان را قطع و آنرا در سطح کمك های انسانی و بشردوستانه محدود سازد تا طالبان بدانند که نمی توانند برای دنیا قابل قبول و پذیرش باشند، آنکاست که آنها متوجه می شوند"

و درقسمت دیکری از مصاحبه شان صریح تر کوش زد می کـــــنند: "در وضعیت کنونی ضرور است که از طالبان فاصله بکیریم زیرا ما سزای اعمالی را متحمل می شویم که از طالبان چون اشتباهات جبران ناپذیری سرزده و می زند، مخالفت کشورهای اروپایی با پاکستان و نزدیکی شان با احمد شاه مسعود از جمله این سزاهاست" و در جای دیکر "... تمامی کشورهای آسیای میانه، ایران، روم، هند وامریکا در رابطه با طالبان متفق رای اند و می کویند که در پاکستان و افغانستان مراکز تربیه تروریستان وجود دارد، آنها فکر میکنند که طالبان تحت امر پاکستان قرار دارند درحالیکه این طور نیست...."

بلی آغا شاهی می خواهد برای کمال حسن حالی کند که برادر "کلاه شاهی به ترك سر نمی ارزد" و سیاست مـــــــردان کشورش را متوجه می سازد که کروه مورد نظر از خودنماینده کی کـــــرده نمی تواننـــــد چه رسد به انکه از یك قوم مهذبی که مرکـ را بار بار بر بنـــــده کی و غلامی ترجیح داده و می دهد.

از حاشیه که بر کردیم، علایق هندوستان را در این طرح چنین باید دید که هند اکر سیاست توسعه جویانه یی هم نداشته باشد بخاطر تزیید فشار بر رقیب که نبودش در این طرح نهفته است جانب طراح را خواهد کرفت، و ایران با انکه از روی زمانه بر موضعیکری اش در مخالفت با امریکا پافشاری خواهد کرد اما با سنجش پله ترازو در میزان منافع ملی از سر کشیدن "... مفت" ابا نخواهد ورزید.

از اشتراك نمایندکان کشورهای چنین و پاکستان در این اجلاس ذکری بعمل نیامده اما از جای همسایکان افغانستان نمی توانند در این قضایا شامل ساخته نشوند، شاید طراح انکشت افکار چین (سکیانکـ) را علاوه از پامیر شامل قلمرو فعلی افغانستان در معامله بکذارد و در رابطه با پاکستان هم شاید برای کوتاه مدت یعنی تکمیل مدت پانزده سال جملات آقای سید عبدالقدوس خان را با نقل قول های "سر اولاف کاور" عنوان کرده و در رفع مشکلات اقتصادی وام های را هم وعده دهد.

اما طراح اصلی که هم کوزه است و کوزه کرو هم کل کوزه ((بازی کر معروف بازی های بزرکـ!)) باید بیاد داشته باشد که هستند در دنیا ملت های که در تقدیر شان نوشته اند: "هر که با ما درفتاد برافتاد" ملت افغان یکی از این ملت ها ست، نشود تقسیم ملت ها برا ساس نژاد و زبان بجای اسیا در قاره دیکری تطبیق شود و یا اتوم داران منطقه که ماشاالله تعداد شان تنها در کرد و نواح افغانستان دارد به پنج می رسد اسیا را با همه دارونداروذخایر دلفریبش به خاکستر مبدل سازد.

مختصری در مورد جلسهء ...

تا برادرانی که بعداً از دور و نزدیك نماینده می فرستنددر مقابل کار یا کارهای انجام شده قرار نکیرند و از طرف دیکر از پیوستن به چنین جلسهء خود داری نکنند و معتقدند که این جریان سیاسی / اجتماعی باید هویت حزبی وتنظیمی نداشته باشد چه مردم از احزاب و تنظیم ها خیری ندیده و اقلاً چنانچه شاید دل خوشی ندارند چنانچه معلوم است اخذ مقام ریاست و سخنکوئی این قبیل جلسات متنازع فیه واقع می کردد و حتی باعث جدل های سیاسی می شود.

به هر تقدیر در اخیر کمیتهء ۹ عضوی ای به سهولت به میان آمد تا جمیع طرح ها و پیشنهادات متعدد را مورد مطالعه قرار داده و آنها را تعمیم کند و یك طرح جامع و عملی منصفانه از ان بدست آورد.

انعکاسات موافق و ناموافق را درین مورد می توان چنین مختصر کرد:

تعدادی زیادی از افغانان ازین جریان طرفداری وعده ای هم آنرا با ملحوظات خاص بصورت بسیار محتاطانه و دقیق ارزیابی می کنند و معتقدند که از دیاد روز افزون چنین شوراها و همچنان احزاب یا تنظیم ها، برخلاف توقعات عامه، باعث درد سرها، خاصتاً سبب بی اتفاقی های مضاعف کردیده اند و آرزومند هستند که نه تنها این جریان بلکه جریانات سیاسی دیکری که هم اکنون در پاکستان و جای های دیکر توسط تعدادی از رهبران محترم تنظیم های قبلی بصورت مستقیم یا غیر مستقیم و به سویه های عالی تر و پشتوانه های قوی تر، در حال تکوین است باعث تضعیف یاکار شکنی هائی در مقابل جریانات سیاسی مهم و باسابقه تر دیکری که تاحد زیادی قوام و معرفت بیشتری در داخل و خارج کشور یافته اند نکردیده و مضار آن برمفاد آن افزون نشود. چه متاسفانه دست های زیاد مرئی و نامریی برعلیه و همچنان برله این جریانات سیاسی شناخته شده، در کار وفعالیت است تا باعث دوام مزید جنکها و نتایج سوء آن در افغانستان کردد و اکثر این خبره کان بروز جریان قبرص را در مقابل جریان روم مثال می آورند و قس علهذا.

بیشتر ازین درد سر نمی دهم.

والسلام

در حیرتیم به کجا عرض ...

خانه های مسکونی مارا که پانزده سال قبل توسط دولت های اسبق در بدل خون فرزندان ما برای سرپرستی اطفال یتیم شان توزیع شده بود تخلیه نمائیم تا آنها در آن خانه ها مهمانان خارجی شانرا جابجا نمایند.

برای هر یك ما این سوال از چندین سال به اینطرف مطرح است که:

آیا مردم افغانستان در مجموع و شهریان کابل بخصوص زنان بیوه و اطفال یتیم در نزد شما مسولین حقوق بشر در جمله افراد جامعه بشری شامل و ثبت و راجستر میباشند یا خیر؟ اکر جواب مثبت است، تا کدام زمان نا محدود انتظار بکشیم. زیرا نوش داروی که بعد از مرکـ برای بیمار بدست آید از آن چه حاصل خواهد شد. با آنکه در طی مدت بیست سال تداوم جنکـ مردم افغانستان به تباهی کشانیده شده اند، یك دست آورد دارند که آن عبارت آکاهی از وضع جهانی و مقایسه موقف خودشان باسایر انسانهای روی زمین بوده است. اکر یك طفل اسرائیل و یا یك سرباز ارتش یك کشور پرقدرت جهانی به علت یك حادثه جنکی می میرد، ماه ها و سالها پیرامون آن بحث ها، جلسات و سرانجام اقدام نظامی علیه متجاوز مانند عراق کویت، ... وغیره با مصارف نهایت کران صورت میکیرد. بالمقابل باتلف شدن بیش از دو ملیون انسان، مهاجرت قریب به چار ملیون، کوچدادن اجباری میلونها انسان، سوزانیدن دارایی ها و اموال مردم سرزمین ما به جز نشر اخبار در رادیوها، محکوم کردن های شفاهی وغیر قابل تطبیق چیزی دیکری نشنیده ایم.

بیائید به کذشته های تلخ این ملت تجدید نظرنموده وبه مردم افغان بحیث بنده کان خداوند جل جلاله و اولاد آدم نکاه کرده و از روی وجدان قضاوت نموده و به داد خواهی حقیقی و عملی این مردم که یك صحنه از هزاران مظالم برآنها همین اکنون در جریان است رسیدکی نمائید. با دست بکار شدن برای جلو کیری از یك ظلم بشری امکان آن وجود دارد که خداوند قرار وعده های برحقش روزی به مشکل شما ها هم رسیدکی کند.

اکر توان جلوکیری را با آن همه اقتدار جهانی در برابر این ظالمان ندارید و یا اینکه اکر حفظ روابط و مناسبات شما باحلقات حاکمه ظالم مهم تر از حیات و سرنوشت هزاران انسان تحت شکنجه (افغان ها) باشد. بهتر است نامی از حقوق بشر و دفاع از آن را نبرده و بکذارید که ملیونها انسان همچو کذشته در آتش سوخته و خاکستر شوند...

بانقدیم احترامات

مالکان یکصد و پنجاه خانه واقع در شهرك پولیس شهر کابل که و ادار به کوچ اجباری شده اند.

ایا افغانستان با دادن این همه...

راه دیگری یا موجود نیست و اگر موجود هم باشد سخن به درازا خواهد کشید و از قول حکیم فرخی سیستانی عدول خواهد شد که گفته است "آری چو سخن نیك بود مختصر آید"

راه اول آنست که از اقوال رجال کشور اعم از رجال تنظیمی و جهادی و یا مبصرین و سیاسیون داخلی و خارجی که از اخبار و امثال آن اندرین مورد، استفاده شود. و راه دوم آنکه به اقوال و گفتار رجال بزرگ تحریك اسلامی طالبان و همچنان رجال عمده، اتحاد شمال که تا اینده اظهار داشته اند و در جراید به نشر رسیده است تکیه شود. و البته برای پرهیز از اطناب باید به چند نمونه‌ای منحیث مشت نمونه، خروار اکتفا کرد و در نقل و روایت آن بسیار محتاط بود و از قسط و عدل کار گرفت و قسطاس و ترازویی بکار برد کاملاً بی عیب و زرسنج.

بطور مثال: ایرك دیمویل متنظم کمك های بشری سازمان م.م، با استفاده از ایما و اشاره، سیاسی در اواخر ماه می سال جاری چنین گفت: "مهمانان عرب طالبان، مامورین مارا می آزارند"

در خبر دیگری تقریباً در همان تاریخ خوانده می شود:

"روسانو خپل مشاورین افغانستان ته استولی دی او د دشتك په فوخی قرارگاه کی میشته شوی دی او د هیلو کوپترو په ذریعه یی د سیمی هوائی سروی هم کړیده".

شاغلی صبغت الله مجددی در اواخر ماه می سالی جاری چنین اظهار داشت: "اکثریت طالبان را کمونست ها و اتباع پاکستانی تشکیل میدهند. طالبان اصلی در صفوف ایشان بسیار کم اند"

خبر دیگری چنین اشعار می‌دارد: "ایران ۱۰۰۰ تنه جنګیالی افغانستان ته واستول، ۴۰۰ پکی سپاه پاسداران دی"

شاغلی حکمتیار باری چنین گفت: "ممالك خارجی در عملیات نظامی اشتراك دارند." خبردیگری می رساند که: ۴۲ نفر سبوتاژ کننده و اجیران خارجی که از ایران وارد خاك افغانستان می شدند از بین برده شدند" این خبر را رادیو صدای شریعت پخش نمود و جراید از ان تذکر دادند.

شاغلی مسعود هنگام سفرش به اروپا چند باری اظهار داشت که برای آزادی افغانستان حاضر است در هر وقت، از هر کس و در هر جا، کمك و اسلحه بدست آورد." "BBC دیوی دفاعی مجلی په حواله: مسعود نوی وسلی ترلاسه کړی." اسامه بن لادن پنځه دیرش زره کسیزه فوځ چوړ کړی دی. د روسیی دولت مشترکه الزام... د طالبانو په سیمه کی، عرب چچین او فلسطینی استوګنو ته روزنه ورکول کیږی (د امنیتی چارواکو اظهارات).

هیومن رایتس واچ: دا جو ته شوه چی ایران او روسیه له شمالی اتحاد سره او پاکستان له طالبانو سره نظامی مرسنی کوی. یا مثلاً تامسن در یکی از مصاحبات خود می گوید: "روس ها از افغانستان رانده شدند اما جای آنهارا ..... گرفت."

یا مثلاً روزنامه، نیوز(۱۵ جولای) می نویسد که میت یك جنگجوی پاکستانی که قوماندان یك یونت از جنگجویان پاکستانی برله پاکستان بود با دو زخمی پاکستانی در تورخم افغانی به پاکستانی ها تحویل داد شد که در جنگهای دشت قلعه در شمال تخار کشته و زخمی شده بودند این روزنامه در همین شماره خبردیگری دارد که طالبان در پی اخذ کمك از علمای سرحدی هستند تاتعدادی از ملیشه های طالب العلم را ازان نواحی به کمك ایشان بفرستند تا علیه قوای مسعود که محض ۱۰% خاك افغانستان را در دست دارد، بجنگند. ازین گونه مثالها زیاد است، اما هستند روزنامه های خارجی ایکه بعضاً بصورت بیطرفانه حقایق را در باره، هر دو طرف درگیر در جنگهای افغانستان مورد بحث قرار میدهند.

نیویارك تایمز می نویسد که: تنها طالبان مسؤل بربادی افغانستان نیستند، تعزیرات یکجانبه کار درستی نیست. جبهه متحد آرزوی به قدرت رسیدن مجدد راندارد و محض آله، دست امریکا و روسیه می باشد بعضی از ممالك مشمول (۶+۲) خود، به دو طرف متخاصم در افغانستان اسلحه می دهند. اخیرا یکی از مجلات انگلیسی بنام دفنس نوشته که: ۱۲ هزار خارجی به شمول پاکستانی ها و اعراب و ازبك و چچنی در افغانستان موجود هستند.

اینك می آیئم به اینکه برادران متخاصم و درحال جنگ ما در کشور تاچه حد از عنعنات ملی ومیهنی خود در این جنگها که جز افغان کشنه دیگری ندارد، عدول کرده اند:

عنعنه، ما بین قوم و خویش خط فاصلی می کشد. اگر دو برادر در ماجرائی باهم کلاویز می شوند کس یا کسان دیگری اعم از قومی یا خویشاوند یا دوستان نباید بر له و علیه یکی از برادران مداخله منفی کنند، حال آنکه ما درحالیکه به ناحق با برادر خود می جنگیم مستقیماً از بیگانگان کمك می گیریم. از طرف دیگر باید ملتف بود که بیگانه بیگانه است و اجنبی اجنبی و باهم فرق ندارند.

از طرفی هم ما به خود حق نمی دهیم گفته های یك جانب متخاصم را راست و از ان دیگری را خدای ناخواسته دروغ پنداریم و یا برگفته های هردو جانب خط بطلان بکشیم. حاشالله و معاذالله چه معتقدیم که هردو طرف هم افغانند وهم مسلمان. قراین دیگری هم در مورد وجود بیگانگان در صفوف هر دو گروه متخاصم و در حال قتال موجود است، از قبیل، اظهارات مقامات سازمان م.م.، راپور های موسسات بین المللی حامی حقوق بشر، راپور های کارکنان داخلی و خارجی موسسات خیریه و NGO ها که در اطراف و اکناف افغانستان مشغول کمك رسانی و تعاون هستند: راپورهای خبرنگاران خارجی، بیانات شاهدان عینی فراری و مهاجر، وجود مراکز متعدد تجمع یا پایگاه های نظامی هر دو جانب رقیب در ممالك همجوار و نقل و انتقالات افراد و اسلحه از راه زمین و هوا به داخل افغانستان، زدو خورد هائی که بین جنگجویان افغان و افراد خارجی مشمول صفوف ایشان، بارها در جاهای مختلف صورت گرفته و کشته ها بجا گذاشته است اظهارات قوماندانان ناراضی یکی از دوجانب درگیر و شهادت ایشان از وجود افراد بیگانه در صفوف جنگی افغانها، حبس بارهایی ویا هم تبادله جنگجویان بیگانه توسط دو طرف در حال جنگ با ذکر نام و نشان و اوطان ایشان.

یا دعوت هر دو طرف جنگ از روزنامه نگاران و ناظرین بین المللی برای بازدید از بن محبوسین خارجی تبار، در زندان های گروه های درگیر افغان و امثال آن که همه دال بر اینست که کشور ما متاسفانه مبدل به مرکز اتباع رانده شده، نا مطلوب، آواره و اجیر کشورهای بیگانه گردیده که مستقیماً در امور داخلی ما مداخله می کنند.

در اینجا باید به خلوص نیت به عرض برسانیم که اگر این جنگجویان خارجی (به) می بودند در (ده) می بودند. به این معنی که چرا در ممالك خود که اوضاع آن اگر بدتر از افغانستان نیست بهتر هم نخواهد بود، نمی جنگند و از سرما بیچارگان دست بر نمی دارند.

نتیجه، این حکایات و روایات به ما تعلیم می دهد تا اندکی بخود آییم و حد اقل مثل دیگران منافع ملی و میهنی خود را مد نظر گیریم، بیشتر ازین فریب بیگانگان را که همه حیثیت خارهای مغیلان و غول های بیابان را دارند، نخوریم، از جنگ و خونریزی دست برداریم و درپی اعمار مجدد ذهنی و فزیکی کشور ویران شده، خویش که خود اثرا ویران ساخته ایم، شویم و بیشتر ازین زمینه، مداخلات خارجی را در کشور آبایی خود "دیده و دانسته" فراهم نکنیم و اندکی بر ملت فقیر ورنج دیده مظلوم و مسلوب الحقوق خود از یك سو و از سوی دیگر در باره، این همه طفیلی های غاصب که هنوز هم از مکیدن آخرین قطرات خون ما از پا افتادگان، روگردان نیستند، فکر اساسی ای بکنیم ورنه باید اقلاً از لعن و طعن آن دو لعین و نفرین آن دو خاین اعنی شاه شجاع انگلیس مآب و کارمل روس مآب که اولی برجمازه، تندر و انگلیس و دومی برتانك های خود رو روس، سوار و برابر به اوامر ولی نعمتان خویش بر مردم خود بیباکانه تاختند و در امتثال وپیروی آن دو بیگانه و اجنبی قرار گرفته و قیامتی بر مردم خود بپاداشتند، یکسره دست برداریم و بگذاریم در قبور سوخته، خود با عذاب جاویدان خداوندی بسوزند و بسازند.

مرحوم بینوا را شعریست که این مصرع را منحیث (ترجیع) در آخر بند های آن بکار برده است که با مطالب مورد بحث ما تقارب و تقارن معنوی دارد و آن اینست: "یادا کوه یادا"

مختلف جهان پراگنده و غیر فعال نمی بودند و ما می توانستیم برای خودمان دست و پا و حتی نظامی را داشته باشیم.

من هیچگاهی از حرف خودم نمی گذرم، آنچه گفته ام حرف های خودم بوده است، قبرس، روم و شورای تفاهم و هر کسی که آرزوی خدمت به کشور را دارد نزدمن محترم است زیرا هر کدام در حد توان خویش مصروف خدمت به افغانستان اند، امانباید فراموش کرد که ماهرکدام که خود را خدمتگار وطن و ملت جا می‌زنیم زمانی می توانیم ادعا کنیم که چنان و چنین هستیم که داخل کشور شده و جای مانرا ببینیم.

بازهم با تاسف باید بگویم که مشکل عمده ما را عدم ارزیابی خودمان تشکیل داده است اگرما یکبار خود مانرا دقیق ارزیابی کنیم در مقابل آیینه قرار گرفته و چهره خود را ببینیم که چه بوده ایم. چه هستیم و چه خواهیم بود، در آینده افغانستان از ایفای چه خدمتی برآمده می توانیم، در چه حدی برای مردم افغانستان قابل پذیرش بوده و از حمایت آنها برخوردار هستیم، چه اندازه برایمان جایی در وطن و قلب باشنده گان آن وجود دارد آنوقت مشکل ما حل است. به نظر من بیان بازی ها در روزنامه ها که نمی تواند کسی را شخصیت واجب الاحترام بسازد. تشکر (ظهور افغان)

ضرورت امروز نجات وطن از چنگال ...

سوال: با معذرت آقا صاحب! از بس خارجیها در امور ما دخیل بوده اند. ملت افغان هر حرکت و هر پدیده نو ظهور را با نگاه های شك و تردید تعقیب می کند، می توانم بپرسم که حرکت آغاز شده از سوی شما و همنظران تان از حمایت کدام قدرت منطقوی یا بین المللی یا کشور و یا نهاد خارجی برخوردار بوده و تمویل می شود.؟

جواب: تاکنون که مصارفی نداشته ایم که شك ها وتردیدهای را سبب شود، اینکه پیاله چایی طی مجالسی تعارف شده فکر می کنم از توانایی هر افغانی بالاتر نباشد، ولی امیدوارم آنعده افغانهائی که از امکانات مالی بهتری برخوردار اند مارا که آرزوی تجلیل از بیست و هشتم ماه اسد سالروز استراد استقلال کشور مان را با کیفیت بهتر وبا اشتراك عده کثیری از افغانها بخاطر بخشیدن روحیه تازه نی از حس استقلال طلبی و حریت خواهی به مردمان مان داریم کمك نمایند.

اما با قاطعیت و مسوولیت می خواهم بگویم که تاکنون هیچ خارجی نی برای حرکت ما پول نپرداخته است و نه ما چنین آرزومندی داریم که با در یافت کمك های خارجی تابع احکام شان باشیم. خوب البته کمك های بدون قید و شرط را بخاطر تامین صلح در افغانستان استقبال خواهیم کرد.

سوال: در مصاحبه قبلی تان با "اراده" نظر خود و پروسه قبرس را در رابطه با پادشاه اسبق افغانستان ابراز داشته بودید که در واکنش ومخالفت با آن یکتن دیگر از اعضای پروسه قبرس اظهاراتی را دریکی از روزنامه های چاپ پشاور به نشر رسانید ایشان مارا هم به تحریف نظریات متهم ساخته بودند، با استفاده از فرصت می خواهم در این زمینه روشنی بیشتر بیندازید!

جواب: فکر می کنم اشتباهات و غلط فهمی های کوچك و بزرگ در میان ما افغانها با تاسف توانسته است که رخنه کند، ببینیم اگر ما بتوانیم صحبت ها را هضم کنیم کوشش کنیم که زودتر تحریك نشده و زودتر از آن به رد نظریات هم نپردازیم، مشکلات ما را به بسیار آسانی حل کرده می توانیم. متاسفانه ما افغانها یکمقدار زیاد تر گرم هستیم و به اندکی حساسیت نشان میدهیم که بعد تر پشیمان می شویم و چه بسا که طعم این پشیمانی هارا در طول این بیست و سه سالی که در پاکستان هستیم بار ها چشیده ایم، صدها بار با برادران خود با بسیار خشونت رفتار کرده ایم، حرف های زیاد و کم گفته ایم، برادران خود مانرا بقتل رسانیده ایم، ترورشان کرده ایم، بسیاری را مجبور به فرار ساخته ایم، عده زیادی را اجازه خدمت بوطن و مردم نداده ایم و....

اگر چنین نمی کردیم امروز با کمبود و نبود شخصیت ها بخصوص فقدان تحصیلکرده ها و تعلیم یافته گان در میان مان مواجه نمی بودیم و سرمایه معنوی مان در ممالك

IN THIS ISSUE:

Editorial

1. Dividedness of Afghanistan or start of a new game. Editorial Page:2
2. An interview with Sayed Ishaq Gailani. Page:1
3. Taliban submits Pakistani fighter corpse to Pakistan. Page:1
4. Twelve thousand foreign fighters fight along with Taliban. Page:1
5. Heavy Bomb Explosions panic Kabul City> Page:1
6. Some Afghans killed during the clashes in France. Page:1
7. Slaying of fourteen Afghans in Nemroz. Page:1
8. Driver of foreign ministry's coordinator for foreign relations killed in Kabul. Page:1
9. Taliban kills Beard dresser. Page:1
10. Mullah Mohammad Omar could be deposed. Page:1
11. Taliban tries and seeks to attract tribal Ulamas. Page:1
12. Has Afghanistan returned back to Karmal's terms after ..? Page:2
13. Comments on Erada Journal by Aina Journal. Page:8
14. Reports of the conferences held by Peshawar based Assemblies. Page:6
15. The pomegranate tree. Page:5
16. The Notice of the one hundred and fifty people of the Kabul city residents. Page:1
17. Challenges and attempts of rival. Page:3
18. Have we gotten History? Page:2
19. Times are passing but the events are remaining. Page:4

ERADA

Bi-Weekly, Independent publication
Publisher: Afghan Media Resorce Center
Founder : Sayed Daud
Chief Aditor: Atiqullah Pazhwak
Aditoral -Committee
Add: House#2, Canal Bank Road, U.P.O. Box No.909 University Town, Peshawar, Pakistan.
Tel: (92-91) 41691> Fax: 841785
E-mail: amrc@brain.net.pk
Subscription Rate:
In USA, Europe & Australia 30 US$
Regional Countries 15 US$
Pakistan Rs. 100
USS A/C: No. 01801406
Bank Al-Falah ltd, 6-B, Islamia Road, Peshawar Cantt.
You can remit your donations to the above account No.

اراده

د مقالو په انتخاب کې واکمنه ده. هره مقاله د لیکوال د نظر خرګندونه کوی. را رسیدلی مقالې بېرته نه ورکول کیږی.

د ګډون کلنی بیه:

په امریکا، اروپا او استرالیا کې:	۳۰ امریکایې ډالر
د سیمې په هیوادونو کې:	۱۵ امریکایې ډالر
په افغانستان کې:	۱۰۰۰۰۰ افغانی
په پاکستان کې:	۱۰۰ کلداري

د شپږ میاشتو لپاره نیمه بیه. د پوستی لګښت د اډاري په غاړه ده.

د یوې ګنې بیه: ۳ روپی.

A/C US$ 01801406

"الفلاح بانك، ۶ ب، اسلامیه روډ، پېښور

د لاس ته راوړلو خایونه د پېښور ټول اخبار پلورنځی

Composed by: Al-Fajr Composing Center, Canal Road, Pawaka, Peshawar, Tel: 43534